دکتر خدیجه بوذرجمهری
گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

شناخت دانش کشاورزی بومی زنان روستایی با تأکید بر تحلیل جنسیّتی

(نمونه شهرستان نیشابور)

چکیده:

دانش بومی، تا دههٔ ۱۹۷۰، یادآور مفاهیم «واپسگرایی» و«ایستایی» در ذهن‌ها بود، که ناشی از افکار و رویکردهای کلاسیک توسعه، به‌ویژه نوسازی، و رهیافتهای انتقال فن‌آوری به کشورهای درحال توسعه بوده است. با بروز مشکلات اقتصادی واجتماعی و زیست محیطی ناشی از کاربرد تکنولوژیهای نامناسب، به تدریج تغییراتی در پارادایم نوسازی ایجاد گردید. در نتیجه تحوّلات شگرفی در نوع نگرش به دانش بومی ایجاد شد. تحت تأثیر این تحوّلات، فرهنگها، دانش‌ها، ظرفیّت‌ها و مهارتهای بومیان با ارزش شناخته شد و به عنوان تکمیل کننده دانش علمی در برنامه ریزیهای توسعه‌ای و مشارکتی، مورد توجه و تأکید متخصِّصان قرار گرفت.

با این وجود، هنوز ابعاد «جنسیّتی» دانش بومی کمتر مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات اندکی در زمینهٔ شناخت ماهیّت و سهم دانش بومی زنان درزمینه های تولید وجود دارد. براساس نظریهٔ تفاوتهای جنسیّتی زنان ومردان دارای دانش‌ها و مهارتهای متفاوتی درتولید دارند که به نقش ها و وظایف متفاوت آنها، مربوط است. آن گونه که نتایج این تحقیق نشان می دهد، زنان روستایی شهرستان جامعهٔ نمونه، از دانش کشاورزی بومی غنی برخوردارند و میزان دانش آنها در مراحل مختلف تولید متفاوت است، به گونه‌ای که بیشترین دانش آنها با میانگین نمره ۱۶/۲ به دانش «کاشت» وکمترین آن به عملیّات «نگهداری و فرآوری» با میانگین نمرهٔ ۱۳/۳، مربوط می شود. آگاهی از این دانش‌ها، می‌تواند در برنامه‌های توسعه‌ای مؤثر بوده و راه مناسبی برای تعدیل نابرابریهای اجتماعی–اقتصادی نهفته در سیاست گذاریها و طرحهای توسعه باشد.

واژه‌های کلیدی: دانش کشاورزی بومی، تفاوتهای جنسیّتی، زنان روستایی، شهرستان نیشابور

درآمد:

امروزه یکی از مهمترین دیدگاههای توسعۀ روستایی، توجه به نهاده‌ها و منابع محلّی است. از این رو به دانش بومی توجه بیشتری می‌شود و پژوهش ومستند سازی آن از سه جهت مورد تأکید قرار گرفته است: نخست برای استفادۀ آیندگان، دوم برای توانبخشی- زیرا میان قدرت و دانش ارتباط وجود دارد- و سوم به خاطر کارآمد بودن آن. البته این کافی نیست که مجریان توسعه تنها نسبت به ضرورت کاربرد دانش بومی در امور توسعه حسّاس واز آن آگاه باشند، در گام بعدی باید تمایزهای جنسیّتی را در دانش بومی مشخص نمود و از اشتباهات گذشته پندگرفت، اشتباهاتی که ناشی از اتکاء کامل بر دیدگاه مردان ودر ارتباط با آنان بوده است. مردان و زنان به طور مشترک در زندگی کشاورزی و روستایی سهیم‌اند وهر کدام با برداشتها وتوانایی خود، سهم مشخّصی در خرد جمعی اجتماع روستایی دارند. بنابراین توجه به مفهوم جنسیّت شرط کارآیی وموفقیّت هرگونه الگوی توسعۀ روستایی وکشاورزی است (هوسینگام، ۱۳۷۸ :۱۸۳). با توجه به دیدگاههای بالا، دانش کشاورزی بومی زنان روستایی شهرستان نیشابور با رویکرد تحلیل جنسیّتی مورد شناسایی و مستند سازی قرار گرفت تا نقش آن در توسعۀ روستایی و کشاورزی پایدار منطقه مورد بررسی قرار گیرد.

مسألۀ تحقیق و پیشینۀ موضوع:

زنان کشاورز نقش مهمّی در تولید محصولات معیشتی جهان ایفا می‌کنند، زنان در آسیا ۵۰ تا ۶۰ درصد غذای موردنیاز جمعیت را تولید می‌کنند، به طور مثال در تایلند: ۶۵٪ همۀ کارهای مربوط به کشت برنج، ۵۰٪ زراعت محصولات نقدی، ۹۵٪ سبزیجات باغچه‌ای خانوار، ۱۰۰٪ پرورش درخت توت وکرم ابریشم، ۱۰٪ آماده سازی خاک، ۳۰٪ مدیریت آفات، ۷۰٪ مدیریت مزرعه، ۵۰٪ درو وبرداشت محصول، ۹۰ ٪ نگهداری موادّ غذایی را بر عهده دارند(کاترین، اورهالت، ۱۹۹۵: ۲). با این وجود غالباً به عنوان کشاورز محسوب نشده ودر فرایندهای «تحلیل مشکلات» و «برنامه ریزی» و «تصمیم گیری» در نظر گرفته نمی‌شوند. از این رو، برنامه‌های آموزشی، ترویجی، اعتباری وحمایتی شامل آنها نمی‌شود، بلکه این برنامه‌ها بیشتر جزو وظایف رئیس خانوار که مرد است، به حساب می‌آید.

امروزه آشکار شده که جنسیّت یک ساختار فرهنگی است و چگونگی رفتارهای مردان و زنان جامعه و نیز نوع کار و چگونگی انجام آنها تأثیر می‌گذارد. تفاوت جنسیّت از مسؤولیّتها و وظایف محوّله در امر تولید، نشأت گرفته است و باعث ایجاد تجربیّات، دانشها و مهارتهای خاصّی گردیده است (هویسینگام نورم، ۱۳۷۸: ۱۷۲). نادیده انگاشتن وغفلت از این دانشهای خاص، می‌تواند برنامه‌های توسعه را با شکست روبرو ساخته و موانع جدّی در راه توسعۀ پایدار فراهم نماید(فرناندز، ۱۹۹۴: ۱). البته توجّه به عامل جنسیّت در نظامهای بومی به معنای تکیۀ صرف بر روشهای بومی خاص زنان نیست، بلکه منظور از این کار پرداختن به نقش مردان و زنان در گردآوری و تکامل کل نظام دانش بومی یک قوم است، که طبعاً چگونگی تأثیر هر یک از دوجنس را در شکل‌گیری این نظام در بر می‌گیرد (همان: ۱۷۴، به نقل از: وارن، ۱۹۸۸).

تاریخ دانش بومی همزمان با تمدّن بشری است و قبل از رنسانس این دانش مورد توجه جامعۀ علمی قرار داشت، امّا گسترش آن به ویژه پژوهشهای بین المللی در زمینۀ دانش بومی به اوایل قرن بیستم باز می‌گردد. از پیشگامان تحقیقات علمی دانش بومی می‌توان پزشکان وگیاه پزشکان مشهوری چون: ویلیام آ. آلبریچ [1]، آلبرت هوارد [2] و اف.اچ.کینگ [3] را نام برد. آنان باور داشتند که گسترش سریع بیماریهای قلبی وریوی، شیوع امراض وآفات گوناگون دامی وکشاورزی در جوامع غربی ناشی از گسترش مواد شیمیایی نوپای آن زمان بوده است، لذا از طریق پژوهشهای تطبیقی به راه وروش تغذیه و زراعت قبایل بومی جهان توجه کردند و نتایج مشاهدات خود را در کتب و مقالات متعددی منتشرنمودند(ایرانیک، ۲۰۰۲: ۲).

این تحقیقات و توجّه به مسائل پایداری وتوسعۀ اقتصادی، به تشکیل کمسیون جهانی «محیط زیست وتوسعه» [4] سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۴ منجرگردید. این کمیسیون در سال ۱۹۸۷، طیّ نشستی با عنوان «کمیسیون برانتلند» [5]، از سازمان ملل خواست تا از کشورهای مختلف برای ایجاد یک همکاری و تلاش مشترک برای دستیابی به هنجارهای رفتاری و منافع همگانی دعوت به عمل آورد(نوفیس: ۱) [6]. در هجدهم دسامبر ۱۹۹۲،سازمان ملل طیّ قطعنامۀ شمارۀ ۱۶۴، سال ۱۹۹۳ را به عنوان «سال بین‌المللی مردم بومی جهان»

---

1. William A.Albrecht
2. Albert Howard
3. F.H.King
4. WCED=World Commission on Environment and Development
5. Brunt land Report= Our Common Future Brundt Land
6 . nufic.Ik.p:1

اعلام کرد. هدف از آن توسعهٔ همکاریهای بین المللی به منظور طرح و بررسی مشکلات مردمان بومی جهان بوده است، مشکلات مطرح شده شامل: وضعیت نامطلوب حقوق انسانی، توسعه، آموزش، بهداشت ومحیط زیست آنان بوده است(کلاول، ۲۰۰۱: ۱)[1]. با توجه به اهمیت یافتن دانش بومی، به تدریج مطالعه در ابعاد جنسیّتی درسطح بین المللی نیزآغاز گردید، که نمونه‌هایی از آن در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول(۱) برخی تحقیقات بین المللی دانش بومی با تأکید بر دانش جنسیّتی

نام پژوهشگر	محل پژوهش	نتیجهٔ پژوهش	سال
وینستورگ	مالزی	طبقه بندی خاک براساس سه مزهٔ شور، شیرین وخنثی است، که با PH خاک تا حدودی مرتبط است	۱۹۷۷
چمبرز	نیویورک	زارعان هجده نوع طبقه بندی از خاک دارند، که به مراتب از طبقه بندی دپارتمان خاک‌شناسی ایالات متحده مفید تراست	۱۹۷۶
گایر	کامرون	مردان در مزارع بزرگ جنگلی به کشت نیشکر، کاکائو وزنان در مزارع کوچک به کشت ذرت وسیب زمینی، غذای روزانه خود می‌پردازند	۱۹۸۰
هوسکینز	بورکینافاسو	زنان دانش عمیقی از ارزش های غذایی ودارویی وسوختی گونه‌های گیاهی منطقه دارند، زیرا مسؤولیت تغذیه،درمان و سوخت را دارند	۱۹۸۱
باستر	پرو	اقوام «آگوارونا جیوارو» زنان به زراعت می‌پردازند ومردان به شکار می‌روند زنان بیش از ۱۰۰ رقم مانیوک را کشت می کنند	۱۹۸۴
نیومن	–	فرآوری موادّ غذایی ونگهداری ومراقبت از آنها به عهدهٔ زنان است، زیرا مسؤولیت اصلی تغذیهٔ خانواده با آنان است	۱۹۸۵
اورهولت– کاترین	تایلند	زنان نقش مهمّی در تولید محصولات معیشتی جهان دارند و ۶۰٪ غذای آسیا را تولید می کنند	۱۹۸۵
تولدو	بوتسوانا	یک زن در بتسوانا ۲۰۶ گونه از ۲۱۱ نمونهٔ گیاهانی که پژوهشگران گردآوری کرده‌اند را شناسایی می کند	۱۹۸۵
نتینگ	نیجریه	بسیاری اززنان کشاورز با رنگ خاک به حاصلخیزی خاک پی می‌برند	۱۹۸۶
جیگینز	–	بی توجهی به نقش زنان در جوامع کشاورزی، به معنی بی توجّهی به اهمیت تولید محلّی برای مصرف محلّی است	۱۹۸۶

1 . Kolawole, 2001: 1.

نام پژوهشگر	محل پژوهش	نتیجهٔ پژوهش	سال
اشبای	کلمبیا	معیار انتخاب ارقام جدید بذر برای مردان، میزان بـازده وبـازار پسندی اسـت، ولی زنان به مزه، پزا بودن و «ری» آن اهمیت می‌دهند	۱۹۸۷
وارن	–	برخی از انواع دانش در قلمرو خاص زنان جای دارد وتمام دانش ها برحسب جنسیّت قابل تمایزاند	۱۹۸۸
پریس	فیلیپین	زنان در خوک داری، کشت انواع حبوبات، سبزیجات وصیفی جات ومردان در کشت غلّه وپرورش گاو تخصّص دارند	۱۹۸۸
ماتیوس و ماندی	–	کشت درختان با محصولات یک‌ساله، باعث کنترل آفات وعلفهـای هـرز و فرسایش خاک گردیده و خطر پذیری با تنوّع کاهش می‌یابد	۱۹۹۰
نورم، یودر و مارتین	–	زنان و مردان در بارهٔ چیزهای مـشابه دانـش متفـاوت دارنـد، زنـان و مـردان از چیزهای متفاوتی مطّلع‌اند	۱۹۸۹
فلدستن	–	کار کردن با هم : تحلیل های جنسیّتی در کشاورزی	۱۹۸۹
آپلتن، اچ.	–	زنان و مردان با کمک هم، دانش‌های مورد نیاز شرایط محلّی خویش را تولید نموده، که در دستیابی به توسعهٔ پایدار بسیار سودمند است	۱۹۹۳
فرناندز – باکا	پرو	زنان در سیستم های کشاورزی مخلوط و کوچک مقیاس فعّال‌اند	۱۹۹۴
سیمسون	جنوب مالایا	زنان و مـردان، دانـشهای متفـاوت از مـوارد مـشابه دارنـد وکانالهـای ارتبـاطی متفاوتی برای انتقال اطّلاعات دارند	۱۹۹۴
کویروز	–	توسعهٔ پایدار با حفاظت منابع طبیعی، تنـوّع زیـستی و فرهنگـی، سیـستم هـای دانش بومی و جنسیّت برقرار می‌شود.	۱۹۹۴
ولوویشی وا	سری لانکا	دانش بومی زنان در مدیریت آب، ذخیره و پایداری اکولوژیکی	۱۹۹۴
آپلتن وکاترین	–	جنسیت و دانش بومی در سازمانها و تشکیلات	۱۹۹۴
کاترین اورهولت	تایلند	۶۵٪ کشت برنج، ۵۰٪ زراعت محصولات نقدی، ۹۵٪ سبزیجات باغچـه‌ای، ۱۰۰٪ پرورش کرم ابریشم، ۱۰٪ آماده سازی خـاک، ۳۰٪ مـدیریت آفـات، ۷۰٪ مـدیریت مزرعـه، ۵۰٪ درو وبرداشـت محـصول، ۹۰٪ نگهـداری مـواد غذایی را به عهده دارند	۱۹۹۵
راجرز	آمریکای لاتین	پروژه های آب رسانی با شکست روبرو گردید، زیرا زنـان تـرجیح مـی‌دادنـد آب را از نهر ها بیاورند جایی که گفتگوهای زنانه بیشتر ممکن بود	۱۹۹۵

نام پژوهشگر	محل پژوهش	نتیجهٔ پژوهش	سال
سایندیگو	ماسائی-کنیا	شکست پروژه ها به دلیل بی‌توجّهی به تفاوتهای جنسیّتی بوده است	۱۹۹۵
دیویس،دایانا	افغانستان	دانش های بومی متفاوت معالجهٔ دام در بین زنان چادر نشن افغان	۱۹۹۵
فرگوسن	مالاوی افریقا	تنوّع محصول برای کشاورزان، گیاه شناسان و تنوّع زیستی بسیار باارزش است ولی به استراتژیها واصلاحاتی نیازمنداند	۱۹۹۶
کویروز	امریکای لاتین	دانش‌های کشاورزی سنّتی آمریکای لاتین وسیستم های دانش بومی توانایی توسعهٔ پایدار در ناحیه را دارد	۱۹۹۶
فرناندز، ماریا	کوه های آند	دانش مردان در طبقه بندی خاک ودانش زنان در دامداری بیشتر است	۱۹۹۶
چاندراکندان	تامیل -هند	تکنیک ها و روشهای بومی جمع آوری محصول توسط زنان	۲۰۰۰
کیفت، جان	تیمور	توسعهٔ گونه‌های بومی در استراتژیهای تولید محصولاتی غذایی تیمور باتوجه به جنبه های جنسیّتی	۲۰۰۱

منبع : بوذرجمهری،۱۳۸۳ : ۱۰۴

در ایران از دیرباز تحقیقات سودمندی درزمینهٔ معرّفی دانشهای بومی توسط محقّقانی همچون خانم لمتون (۱۳۳۹)، کاظم ودیعی (۱۳۵۴)، خسروخسروی(۱۳۵۷) و(۱۳۵۸)، جوادصفی‌نژاد(۱۳۶۸)، مصطفی ازکیا (۱۳۷۰)، مرتضی فرهادی (۱۳۷۳)، مهدی طالب (۱۳۷۶)، مرتضی فرهادی(۱۳۸۰) انجام گرفته، امّا دراین تحقیقات از یک سو موضوع دانش بومی کمتر به شکل سیستمی وهمه جانبه بوده واز سوی دیگر به جنبهٔ جنسیّتی کمترپرداخته شده است. همچنین هرچند در دههٔ گذشته پژوهشهایی درخصوص نقش زنان روستایی درکشاورزی انجام یافته، ولی این تحقیقات نیز اغلب میزان مشارکت آنان رامورد توجّه قرار داده‌اند و به دانشهای بومی و مهارتهای تجربی خاص زنان کمتر توجه شده است(بوذرجمهری، ۱۳۸۳: ۱۰۶).با توجه به نقش و اهمیت مطالعات دانش بومی و تأکید بر ابعاد جنسیّتی آن در توسعهٔ روستایی وکشاورزی تحقیق پیش رو تنظیم گردیده است.

مبانی نظری تحقیق:

دانش بومی تا دههٔ ۱۹۷۰، مفاهیم « واپسگرایی» و«ایستایی» را به ذهن‌ها متبادر می‌نمود، که ناشی از افکار ورویکردهای کلاسیک توسعه، به ویژه نوسازی و رهیافتهای انتقال فن‌آوری به کشورهای درحال توسعه بوده

است. با بروز مشکلات اقتصادی واجتماعی و زیست محیطی ناشی از کاربرد فن آوریهای نامناسب، بـه تـدریج تغییراتی در پارادایم نوسازی ایجاد گردید و در نتیجه تحوّلات شگرفی نسبت به نوع نگرش به دانـش بـومی بـه وجود آمد. تحت تأثیر این تحوّلات، فرهنگها، دانش‌ها، ظرفیّت و مهارتهای بومیـان بـا ارزش و محتـرم شـناخته شد و به عنوان مکمّل دانش علمی در برنامه‌ریزیهای توسعه‌ای ومـشارکتی، مـورد توجّـه و تأکیـد متخصّـصان توسعه قرار گرفت.

در طول سه دهۀ گذشته نظریّه‌های مختلفی از سوی سیاسـت گـذاران و نظریّـه پـردازان توسـعۀ اجتمـاعی مطرح شده است، و هریک از آنها سعی دارند تا با ایجاد تغییر در وضـعیّت نـامطلوب زنـان، راه را بـرای ایجـاد شرایط مطلوب و مساعد برای رشد و مشارکت آنها در برنامه‌های توسعه فراهم سـازند. سیاسـتهای اتخـاذ شـده پیرامون مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه، بسیار گوناگون بوده و تا این اواخر طبقه بنـدی سیـستماتیکی از آن ارائه نشده بود. بووینیگ[1] در سال ۱۹۸۶، یکی از بهترین تقسیم بندیها را در مورد نظریّه‌هـا وسیاسـت‌گـذاریهای اتخاذ شده در مورد زنان جهان سوم را به این شـرح انجـام داده اسـت، کـه عبـارت‌انـد از: نظریّـۀ رفـاه[2]، نظریّـۀ برابری[3]، عدالت، نظریّۀ خود اتّکایی اقتصادی[4]، نظریّۀ کارایی[5]- نظریّۀ تواناسازی[6] و نظریّه‌های تحلیل جنـسیّتی یا تفاوت جنسیّتی[7] است (کتابی ودیگران،۱۳۸۲ : ۱۱).

بیشتر این نظریّه‌ها، به ویژه توانمندسازی، بیشتر در زمینۀ جریانهای فمینیـستی و دسـتیابی بـه حقـوق و برابـری وکاهش ظلم و ستم و فرودستی زنان نسبت به مردان بوده است، که این نوشتار، قصدپرداختن به آنهـا را نـدارد. چارچوب نظری این تحقیق براساس نظریـۀ تفاوتهـای جنـسیّتی اسـت. ایـن نظریّـه معتقداسـت زنـان از ارزشـها، انگیزه‌ها، منابع، آگاهی و ادراک در ساخت واقعیّت اجتماعی، بیـنش وبرداشـتی متفـاوت از مـردان دارنـد. زنـان و مردان دانش و مهارتهای خود را در طول زمان توسـعه داده و تخـصّص‌هـایی را بـر اسـاس جنـسیّت بـه دسـت می‌آورند(آپلتون، ۱۹۹۳: ۶). زنان و مردان غالباً چیزهای متفاوت می‌دانند و یا دانشهای متفاوتی در بـارۀ چیزهـای متفاوت و یا متشابه دارند و آنها را به کار می‌برنـد. آنـان دارای علایـق و نیـاز هـای متفـاوتی هـستند و همچنـین

1. Buvinic
2. Welfare
3. Equality
4.Economic self-Reliance
5. Efficiency
6. Empowerment
7. Gender Diffrence Theories

کانالهای انتقال دانش آنها نیز متفاوت است(سمپسون، ۱۹۹۴: ۱). با وجود چنین مبانی نظری، هنوز ابعاد«جنسیّتی» دانش بومی، کمتر مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است.لذا تحقیق حاضر سعی نموده است، دانش کشاورزی بومی زنان روستایی شهرستان نیشابور، مورد شناسایی قرار گرفته و نقش آنها را دربرنامه‌ریزیهای توسعه‌ای، بررسی و تحلیل نماید.

فرضیّات تحقیق:

۱. زنان روستایی شهرستان نیشابور، ازدانش کشاورزی بومی بالایی برخوردارند.

۲. زنان روستایی مسن از دانش کشاورزی بومی بالاتری برخوردارند.

۳. میزان دانش کشاورزی بومی زنان در برخی مراحل، مانند کاشت، بیشتراز سایرمراحل تولید است.

روش تحقیق:

روش تحقیق اکتشافی، توصیفی وتحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌های کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسنادی،آرشیوی وتحقیقات میدانی وتکنیک های مختلف «ارزیابی مشارکتی روستایی» استفاده شده است.به منظور توصیف وتحلیل آزمون فرضیات وهمبستگی‌ها، نرم ابزار SPSS وروشهای ناپارامتریک[1] تست فرید من[2] واسپیر من[3] وکالموگروف- اسمیرنف[4] به کار گرفته شده است.

جامعهٔ آماری و برآورد حجم نمونه:

جامعهٔ‌آماری تحقیق شامل زنان روستایی ۲۵ سال به بالای شهرستان نیشابور است، که در روستاهای بالاتراز ۳۰ خانوار به فعالیّت زراعی اشتغال دارند. بر اساس آمار شناسنامهٔ آبادیهای کشور در سال ۱۳۷۵، این شهرستان دارای۳۵۷ آبادی بالای ۳۰ خانوار با فعالیّت غالب کشاورزی بوده است. با استفاده از فرمول «کوچران» و ضریب اطمینان ۹۵٪ ودقت احتمال ۸٪، حجم روستاهای جامعهٔ آماری ۲۲ روستا به دست آمد. همچنین در سال ۱۳۷۵ زنان روستایی جامعهٔ آماری ۲۵ سال به بالای شهرستان، ۴۴۹۸۷ تن بوده است که با

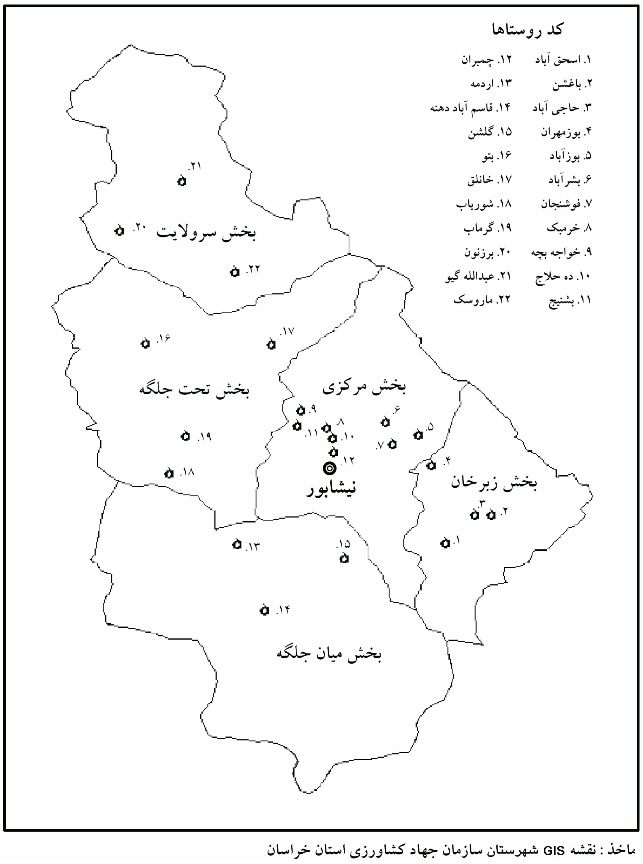
1.Correlations Nonparametric
2. Friedman Test
3. Spearman`s rho
4. One Sample Kolmgorov- smirnov Test

همین فرمول حجم نمونه ۱۵۰ زن محاسبه گردید. با استفاده از روش نمونه‌گیری به شیوهٔ تصادفی ساده، طیّ دو مرحله روستاها و زنان حجم نمونهٔ تحقیق مشخص شدند. جدول (۲) و نقشهٔ (۱) تعداد آبادیها و زنـان روسـتایی حجم نمونه به تفکیک بخشهای پنجگانهٔ شهرستان نیشابور را نشان می‌دهد.

جدول (۲): جامعهٔ آماری وبرآورد حجم نمونه زنان روستایی نیشابور به تفکیک بخش

جامعه آماری		ضریب اطمینان	دقت احتمال	بخش مرکزی	زبرخان	میان جلگه	تحت جلگه	سرولایت	کل نمونه
آبادی	۳۵۷	٪۹۵	۰/۲	۸	۴	۳	۴	۳	۲۲
زن	۴۴۹۸۷	٪۹۵	۰/۰۸	۳۹	۳۸	۲۰	۳۴	۱۹	۱۵۰

نقشهٔ شماره ۱. موقعیّت روستای نمونه در شهرستان نیشابور



ماخذ: نقشه GIS شهرستان سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان

روش ارزیابی:

ارزیابی دانش کشاورزی زنان در دو مرحله انجام گرفته است:

مرحلهٔ اول: جمع آوری اطّلاعات ودانشهای مربوط به نظام وعملیّات کشاورزی، از طریق منابع رسمی(کتب و نشریات) و غیر رسمی، شامل: مصاحبه با افراد خبره و آگاه روستا بوده است.

مرحلهٔ دوم: مصاحبه با زنان حجم نمونه وسنجش دانش کشاورزی بومی آنان است. به عبارتی میزان دانش آنها از طریق مقایسه بادانشهای رسمی و غیررسمی مورد ارزشیابی قرار گرفته وبا استفاده ازمقیاس ترتیبی، رتبه بندی گردید. یعنی دربرابرپاسخ صحیح، دانش وی بالا ارزشیابی شده وحدّ اکثر امتیاز «۳» ودرصورت اطلاعات متوسط وکم، نمرهٔ «۲» و «۱» را دریافت می‌نمود. به طور مثال چنان که در جدول (۳) نشان می‌دهد، برای هماهنگی و تبدیل امتیاز ها به سیستم نمرهٔ صفر تا بیست، مجموع نمرات فرد برجمع امتیازات صحیح تقسیم وآنگاه در عدد ۲۰ ضرب می‌شود، که در مثال فوق نمرهٔ ۱۳/۳ به دست آمده است.

جدول (۳): نمونه‌ای از چگونگی ارزشیابی دانش کشاورزی بومی زنان

ردیف	مؤلفه‌ها	می‌داند (امتیاز۳)	کمی داند (امتیاز۲)	نمی‌داند (امتیاز۱)
۱	کشت محصولات حاشیه‌ای ومختلط به چه منظور انجام می گیرد ؟	×		
۲	آیش زمین یعنی چه ؟		×	
۳	آیش گذاشتن زمین چه فواید و مشکلاتی دارد ؟		×	
۴	چرخش محصول در زمین چه فواید و مشکلاتی دارد ؟			×
۵	جمع امتیاز کسب شده ۸	۳	۴	۱
۶	حداکثر امتیاز ۱۲ و نمرهٔ نهایی برحسب ۲۰ نمره، ۱۳/۳	۸:۱۲ × ۲۰ =۱۳/۳		

یافته‌های تحقیق:

دانش زنان در نظام تولید زراعی شامل نظام کشت وفناوری وعملیّات کشت است. متغیّرهای تحقیق شامل: دانش قبل از کاشت، کاشت، داشت، برداشت، نگهداری وفرآوری وفروش است که هریک دارای شاخصهایی هستند که به توصیف وتحلیل آماری آنها می‌پردازیم.

۱. دانش زنان از نظام کشت: شاخصهای این متغیّر عبارت‌انداز: دانش کشت حاشیه‌ای ومختلط، تناوب زراعی وآیش واثر بخشی آنها، که نتایج آن بدین شرح است :

۱-۱.کشت مختلط: کشاورزان به منظور تأمین نیازهای غذایی خانوار و استفادهٔ بهینه از منابع، در کنار محصولات فروشی به کشت های مختلط، که غالبا جنبهٔ معیشتی دارد، اقدام می‌نمایند.چنان که جدول(۴) نشان می‌دهد، ۵۸/۳ درصد زنان دانش بالایی از کشت های حاشیه‌ای و مخلوط دارند.

۲-۱. تناوب زراعی واثر بخشی آن: تناوب، ترتیب توالی کشت در یک قطعه زمین را می گویند ویک ضرورت است که کشاورزان منطقه به تجربه آن را فرا گرفته وشدیداً به کار می گیرند. چنان که ازجدول(۴) پیداست ۴۵/۳ درصدزنان با اثربخشی رعایت تناوب زراعی کاملاً آشنا هستند.

۳-۱. آیش و اثر بخشی آن: آیش، یعنی «رها کردن» زمین (= پرتو دادن) برای یک سال به منظوربازیافت عناصرغذایی توسط چرخه‌های طبیعی که برای کود ورزی خاک انجام می گیرد. امروزه به دلیل کاربرد کود های شیمیایی ونیاز به موادّ غذایی و افزایش جمعیّت، به ویژه در بخشهای مرکزی وجلگه‌های حاصلخیز شرقی نیشابور، به تدریج رسم آیش رو به نابودی است و زمین‌ها تقریباً همه ساله زیرکشت می‌رود. به گونه‌ای که جدول (۴) هم نشان می‌دهد، ۸۴/۷ در صد زنان دانش زیادی از مفهوم آیش داشتند و ۵۵/۳ درصد نیز با اثر بخشی آن آشنایی دارند. جدول (۵) نشان می‌دهد میانگین نمرهٔ دانش زنان از نظام کشت منطقه ۱۵/۴ است.

جدول (۴) میزان دانش زنان کشاورز از نظام کشت واثر بخش ها

میزان دانش	کشت مختلط	اثربخشی تناوب	مفهوم آیش	اثربخشی آیش
کم	۲/۷	۸/۱	۴/۷	۴/۰
متوسط	۳۹	۴۶/۶	۱۰/۷	۴۰/۷
زیاد	۵۸/۲	۴۵/۳	۸۴/۷	۵۵/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول(۵): توصیف آماری میزان دانش زنان کشاورز از نظام کشت

کل نمونه	نمرهٔ حداقل	نمرهٔ حداکثر	میانگین نمره	خطای استاندارد	انحراف معیار
۱۵۰	۶/۶۷	۲۰	۱۵/۴	۰/۳۰۵۶	۳/۷۴۲۶۵

۲. دانش آماده سازی زمین: درآماده سازی زمین از انواع ماشین آلات کشاورزی، مانند: تراکتور، دیسک، کنتواتور (برای نرم کردن کلوخه‌های بزرگ) بذر پاش، لولر [1] (برای تسطیح زمین وپوشاندن بذر ها) و پل کش (برای مرز کشی) استفاده می‌شود. البته در مزارع کوچک و پلّه‌ای ابزارهای دستی به کار می‌رود.۷۹/۲ درصد زنان جامعهٔ نمونه، دانش زیادی دراین خصوص داشتند.

۳. دانش کاشت: مؤلفّه‌های این متغیّر عبارت‌انداز: تهیهٔ بذر، ضدّ عفونی، بوجاری، کاشت بذر، بذر پاشی، کشت خزانه و نشاکاری، که به شرح آنها می‌پردازیم:

۱-۳. دانش زنان از بذور: معمولاً کشاورزان برای کشت محصولات تجاری از بذور اصلا حی، ولی در محصولات معیشتی، بذرهای محلّی را می کارند. تهیهٔ بذرهای محلّی غالباً با زنان است، چنان که جدول (۶) نشان می‌دهد ۷۰/۵ درصد آنان دانش زیادی در این زمینه دارند.

۲-۳. ضدّ عفونی بذور: بذور اصلاحی به ضدّعفونی نیازی ندارند واز بذرهای محلّی به جز گندم وجو بذر دیگری ضد عفونی نمی‌شود. بر اساس نتایج جدول (۶)، زنان با چگونگی این عمل واثر بخشی آن آشنا هستند، به گونه‌ای که ۵۸/۸ ٪ دانش بالا، ۱۷/۶ ٪ دانش متوسط و۲۳/۶ ٪دانش کمی داشتند.

1. Levler

۳-۳. بذر پاشی: در منطقهٔ مورد مطالعه محصولاتی نظیر: حبوبات و هندوانه و خربزه باکاشتن دانه توسط بیلچه (کفچه) انجام می گیرد. ولی گندم وجو،چغندرقند وپنبه را بذر پاشی می کنند که از وظایف مردان است. بر اساس جداول (۶) و (۷)دانش زنان در کشت بذر،نشاکاری بالاومیانگین نمرهٔ کاشت ۱۶/۲ است.

جدول (۶): میزان دانش کشاورزی زنان از عملیات کاشت

میزان دانش	بذوراصلاحی	بذور محلی	ضدعفونی بذر	بذر پاشی	کشت خزانه	نشاکاری
کم	۸/۱	۲/۱	۲۳/۶	۰/۷	۱۹/۹	۱۲
متوسط	۳۰/۲	۲۷/۴	۱۷/۶	۲۰/۹	۱۰/۶	۹/۲
بالا	۶۱/۷	۷۰/۵	۵۸/۶	۷۸/۴	۶۹/۵	۷۸/۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول(۷): توصیف آماری دانش کشاورزی زنان مربوط به مرحلهٔ کاشت

حجم نمونه	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	میانگین	خطای استاندار	انحراف معیار
۱۴۹	۷/۷۸	۲۰	۱۶/۲۶۴۰	۰/۱۶۹۴	۲/۰۶۷۴۹

٤. **عملیّات داشت**: داشت شامل مؤلّفه‌های: آبیاری، کوددهی، مبارزه با آفات وپیشگیری، وجین کاری وتنظیم مزرعه است که به تشریح میزان دانش زنان دراین مرحله می‌پردازیم.

۱-۴. دانش آبیاری: سیستم های آبیاری منطقه غالباً سنّتی است و از روشهای غرقابی، جویهای موازی، نشتی انجام می گیرد. زنان کشاورز گرچه در عملیّات آبیاری مشارکت چندانی ندارند، ولی مدارهای آبیاری، نیازهای آبی هرگیاه، منابع و محدودیّتهای آبی منطقه را می‌دانند. چنان که جدول (۸) نشان می‌دهد، حدود ۷۰ درصدآنان دراین زمینه دانش زیادی دارند.

۲-۴. دانش خاک ورزی: کود ورزی یا خاک ورزی شامل اقداماتی است که باعث تقویت واصلاح خاک می‌شود وشامل تعویض خاک، استفاده ازخاک خانه‌های مخروبه (=خاکهای شوره)، اضافه نمودن خاکهای ماسه‌ای وشنی به خاکهای رسی (=شخی) ویا بالعکس که باعث اصلاح فیزیکی خاک می‌شود،

همچنین از کود های حیوانی، سبز وشیمیایی برای تقویت خاک استفاده می‌شود. چنان که جدول (۸)نشان می‌دهد، ۷۸٪ زنان آگاهی بالایی از اثر بخشی و محدودیّتهای کاربرد کودهای حیوانی و روشهای بومی تقویت خاک دارند، ولی دانش آنهااز اثرات منفی کودشیمیایی کم است.

جدول(۸). دانش کشاورزی زنان از عملیّات داشت

میزان	روش آبیاری	خاک ورزی	اثر کود حیوانی	اثر کود شیمیایی	وجین کاری	اثربخشی وجین	مصارف علف هرز	آفات زراعی	مبارزه با آفات
کم	۱/۴	۲/۷	۰	۲/۱	۱/۳	۰	۰	۰/۷	۱/۴
متوسط	۲۸/۸	۱۹/۵	۳۷/۶	۵۶/۸	۴/۷	۳۶/۱	۲۶/۸	۲۹/۵	۶۸/۲
زیاد	۶۹/۹	۷۷/۹	۶۲/۴	۴۱/۱	۹۴/۰	۶۳/۹	۷۳/۲	۶۹/۸	۳۰/۴
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۴-۳. وجین کاری: وجین یعنی کندن علفهای هرز (=علف بیگانه) که در گویش محلّی آن را «بجا کردن» می‌گویند. عمل «تنک کردن» (= یکه کردن) نیز همراه با وجین انجام می‌شود. وجین عمدتاً مکانیکی و توسط زنان انجام می‌گیرد به گونه‌ای که**۹۴**درصد زنان باآن آشنا هستند.

۴-۴. دانش مبارزه باآفات: مبارزه باآفات جزو وظایف مردان است. از این رو زنان فقط به طور نظری اطّلاعاتی در این زمینه دارند، ولی ۷۰٪ زنان باآفات وبیماریهایی چون: سفیدک، چربه، شته، سیاهگ، زردی و سن گرفتگی گندم، قارچ گرفتگی گوجه فرنگی وچغندر قند وغیره آشنا هستند.

در مجموع بر اساس جدول (۹)، میانگین نمرهٔ دانش زنان در مرحلهٔ داشت ۱۵ به دست آمده است.

جدول(۹) توصیف آماری میزان دانش کشاورزی زنان در مرحلهٔ داشت

حجم نمونه	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار
۱۵۰	۲/۵	۲۰	۱۵/۰۳۳۳	۰/۲۸۰۸	۳/۴۳۹۱۵

۵. عملیّات برداشت: چنان که ازجدول (۱۰) آشکار است، **۹۰/۶** درصد زنان دانش زیادی از نحوه وزمان برداشت محصولات وکاربرد انواع ماشین آلات وابزارهای سنّتی داشتند. در منطقه هنوز از «داس» (=مشاله وبیتی) برای دروی گندم وجو استفاده می‌شود و روشهای سنّتی همیاری رایج است. بر اساس جدول (۱۱) میانگین نمره دانش زنان از مرحلۀ برداشت، **۱۵/۵** است.

جدول (۱۰) میزان دانش زنان در مرحلۀ برداشت

میزان دانش	ابزارو روش های برداشت	رسم یاوری
کم	۰/۷	۷/۵
متوسط	۸/۷	۱۱/۶
زیاد	۹۰/۶	۸۱/۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول (۱۱) توصیف آماری میزان دانش کشاورزی زنان در مرحلۀ برداشت

تعداد پاسخگو	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار
۱۴۸	۳/۳۳	۲۰	۱۵/۵۱۶۰	۰/۳۲۳۹	۳/۹۴۰۴۶

٦. نگهداری و فرآوری: نگهداری اغلب شامل گندم وجو وحبوبات مصرفی می‌شود و فرآوریها، شامل: بلغور شیر وبلغور ترش و رشتۀ آش،رب گوجه فرنگی وانواع سالاد شورها وترشی ومرباجات. ۶۷/۲درصد زنان حجم نمونه، دانش زیادی از نحوۀ نگهداری و فرآوری محصولات کشاورزی داشتند. بر اساس جدول (۱۲) میانگین نمرۀ دانش زنان در این مرحله **۱۳/۸** است.

جدول(۱۲): توصیف آماری دانش کشاورزی زنان در مرحلۀ فرآوری ونگهداری

تعداد پاسخگو	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار
۱۴۴	۵	۲۰	۱۳/۸۴۲۶	۰/۴۵۹۱	۵/۵۰۹۳۳

۷. دانش فروش: زنان کشاورز گرچه در فروش محصولات مشارکت ندارند، اما اطّلاعات خوبی از نحوهٔ فروش، قیمتها، ارتباطات و مکانهای فروش دارند، به گونه‌ای که حدود ۵۵/۳ درصد آنان دانش بالایی داشتند. بر اساس جدول (۱۳) میانگین نمرهٔ دانش آنها در مرحلهٔ فروش ۱۶ است.

جدول(۱۳) توصیف آماری دانش کشاورزی زنان در مرحلهٔ فروش

حجم نمونه	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار
۱۵۰	۶/۶۷	۲۰	۱۶/۰۳۳۳	۰/۲۳۷۹	۲/۹۱۳۵۶

نتیجه‌گیری و آزمون فرضیّات

بر اساس آزمون نرمال بودن کالموگروف- اسمیرنف و تست های اسپیرمن و فریدمن، نتایج زیر حاصل ودر جدول (۱۴) تنظیم شده است :

۱. زنان کشاورز جامعهٔ نمونه آگاهی زیادی از «نظام کشت» دارند. اطّلاعات میدانی ونمره گذاری عددی این شاخص حاکی از آن است که آگاهی زنان از « نظام کشت» بین حداقل نمرهٔ ۶/۶ و ۲۰ در نوسان است ونشان می‌دهد که جامعهٔ نمونه با میانگین ۱۵/۴ به سمت گزینهٔ آگاهی زیادگرایش دارد. میانگین محاسبه شده دارای فاصلهٔ اطمینان (۱۵/۹ < X < ۱۴/۸) است ورتبهٔ آگاهی در ردهٔ «سوم» قرار دارد. آزمون نرمال بودن نشان می‌دهد که توزیع صفت مذکور در نزد این جامعه نرمال نیست. بدین معنا که تفاوت معناداری ازدانش« نظام کاشت» بین زنان وجود دارد.

۲. زنان جامعهٔ نمونه آگاهی زیادی از عملیّات «کاشت» دارند. اطّلاعات میدانی و نمره‌گذاری عددی نشان می‌دهد که آگاهی زنان از « عملیّات کاشت» بین حداقل نمرهٔ ۷/۷ وحداکثر ۲۰ در نوسان است و بیانگر آن است که جامعهٔ نمونه با میانگین ۱۶/۲ بالاترین آگاهی را دارد و رتبهٔ آگاهی در ردهٔ اوّل است. میانگین محاسبه شده دارای فاصلهٔ اطمینان برابر (۱۶/۵ < X < ۱۵/۸) است.

۳. زنان کشاورز جامعهٔ نمونه، دانش نسبتاً زیادی از عملیّات «داشت» دارند. اطّلاعات میدانی ونمره گذاری عددی نشان می‌دهد که آگاهی زنان از عملیّات داشت بین حداقل نمرهٔ ۲/۵ وحداکثر ۲۰ درنوسان است و بیانگر آن است که جامعهٔ نمونه با میانگین ۱۵/۰۳ از آگاهی نسبتاً زیادی برخوردارست و رتبهٔ آگاهی در ردهٔ «پنجم» است. میانگین محاسبه شده دارای فاصله اطمینان برابر (۱۵/۵ < X < ۱۴/۴) است.

۴. اطلاعات میدانی ونمره گذاری عددی متغیّر برداشت نیزنشان می‌دهد که آگاهی زنان از عملیّات «برداشت» بین حداقل نمرهٔ ۳/۳ وحداکثر ۲۰ در نوسان است وحاکی از آن است که جامعهٔ نمونه با میانگین ۱۵/۵ از آگاهی نسبتاً بالایی برخورداراست. میانگین محاسبه شده دارای فاصلهٔ اطمینان برابر (۱۶/۱ > X > ۱۴/۸) می‌باشد و رتبهٔ اگاهی این شاخص در ردهٔ «چهارم» قرار دارد.

۵. آگاهی زنان از«نگهداری وفرآوری» بین نمرهٔ صفر و ۲۰ درنوسان است وحاکی ازآن است که جامعهٔ نمونه با میانگین۱۳/۸ ازآگاهی متوسطی برخورداراست.فاصلهٔ اطمینان برابر(۱۴/۶ > X >۱۳/۷)می‌باشد. رتبهٔ این آگاهی درردهٔ «ششم» است وصفت مذکور در جامعهٔ مورد نظر نرمال نیست.

۶. آگاهی زنان از مرحلهٔ «فروش» بین حداقل نمرهٔ صفر و ۲۰ است و حاکی ازآن است که جامعهٔ نمونه با میانگین ۱۶ از آگاهی بالایی برخورداراست. رتبهٔ این آگاهی درردهٔ «دوم» قرار دارد.

جدول (۱۴) توصیف آماری دانش کشاورزی بومی زنان جامعهٔ نمونه

شاخص ها	میانگین نمره	خطای استاندارد	حداقل–حداکثر	میانگین رتبه –رتبه
دانش نظام کشت	۱۵/۴	۰/۳۰۵۶	۶/۶ –۲۰	۵/۰۶ (سوم)
دانش کاشت	۱۶/۲	۰/۱۶۹۴	۷/۷– ۲۰	۵/۴۲ (اول)
دانش داشت	۱۵	۰/۲۸۰۸	۲/۵– ۲۰	۴/۳۷ (پنجم)
دانش برداشت	۱۵/۵	۰/۳۲۳۹	۳/۳– ۲۰	۵/۰۱ (چهارم)
دانش فرآوری و نگهداری	۱۳/۸	۰/۴۵۹۱	۰ – ۲۰	۴/۲۸ (ششم)
دانش فروش	۱۶	۰/۲۳۷۹	۶/۶– ۲۰	۵/۲۶ (دوم)

احتمال محاسبه شده = ۰/۰۰۰ (ضریب اطمینان بالای ۹۹٪) تست فرید من

بنا بر نتایج جدول (۱۴)، دانش زنان در مرحلهٔ «کاشت» دارای بالاترین میانگین ورتبه است و با داشتن احتمال محاسبه ۰/۰۴۱وکمترین انحراف معیار ۲/۰۴ بیشترین همگنی را بین زنان دارد. بدین معنا که گرچه تفاوتهایی از نظر میزان دانش کاشت درجامعه وجود دارد، امّا درمقایسه با سایر شاخص ها ازتجانس بیشتری برخورداراست.کمترین تجانس وناهمگونی، دانش «نگهداری و فرآوری» است بااحتمال محاسبهٔ (۰/۰۰۰) و بیشترین انحراف معیار(۵/۴۹) که دررتبهٔ آخر یعنی ششم قرار گرفته است.

توضیح آن که اصولاً روشهای کاشت در جوامع سنّتی بسیار دیر تغییر می کند، بویژه میان زنان کـه غالبـاً بـه شیوه‌های سنّتی کشت می کنند، لذا یکسانی و همگونی بیشتری میان آنهـا وجـود دارد. امـا دانـش «نگهـداری و فرآوری» میان زنان متفاوت و جامعه بسیار ناهمگون است، که این امـر بـه سیـستمهای کـشاورزی آنهـا مربـوط می‌شود. یعنی محصولات تجاری مانند: گندم،چغندر وپنبه و گوجه فرنگی به منظور فروش تولید می‌شود وزنان نقشی در نگهداری و فرآوری آنها ندارند، ولی در مورد محصولات معیشتی دانش نگهـداری وفـرآوری آنـان بیشتر است، بنابرنتایج تحقیق معلوم گردید:

آزمون فرضیهٔ اوّل تأیید شد که: زنان کشاورز جامعهٔ نمونه از دانش بومی بالایی برخوردارند.

آزمون فرضیهٔ دوم اثبـات نگردیـد، بـه عبـارتی زنـان روسـتایی مـسن از دانـش کـشاورزی بـومی بـالاتری برخوردار نیستند و چنان که ازجدول (۱۵) مشهود است، هیچ ارتباط معنا داری بین میزان دانش کشاورزی بومی زنان روستایی و سنّ آنها به دست نیامد. این درحالی است که ادبیات نظری وشـواهد تجربـی جهـان بیـانگرآن است که سالمندان هرجامعه، دانش و تجربهٔ بومی بیشتری نـسبت بـه جوانـان دارنـد(آلتیـری، ۱۳۷۸ : ۱۷). امـا در منطقهٔ مورد مطالعه این فرضیه تأیید نشد و می‌تـوان بـر اسـاس نظریّـهٔ دیگـری نتیجـه گیـری نمـود کـه دانـش کشاورزی بومی زنان در منطقه نوعی دانش مشترک است(ایرر، ۱۹۹۶: ۸) که بین زنـان جـوان و مـسن از طریـق سینه به سینه منتقل شده است.

جدول (۱۵) رابطهٔ همبستگی بین سن و دانش کشاورزی زنان

نوع دانش ها	سن
دانش نظام کاشت	۰/۰۸۶
دانش کاشت	۰/۰۱۳ -
دانش داشت	۰/۱۴۰
دانش برداشت	۰/۰۴۱
دانش نگهداری و فرآوری	۰/۱۲۸
دانش فروش	۰/۰۵۹

رابطه ها معنادار نیست.

آزمون فرضیۀ سوم : با استفاده از آزمون فرید من، میانگین دانشهای کشاورزی بومی زنان، مورد سنجش قرار گرفت، چنان که درجدول (۱۴) مشاهده می‌شود، اثبات گردید که بیشترین دانش کشاورزی زنان، دانش کاشت با میانگین ۱۶/۲ و رتبۀ۵/۴۲ (اول) و کمترین دانش، فرآوری و نگهداری محصول با میانگین۱۳/۸ و رتبۀ ۴/۲۸ (ششم) است. لذا این فرضیه با ضریب اطمینان بالای ۹۹٪ تأیید گردید که بین میزان دانشهای مختلف کشاورزی زنان تفاوت وجود دارد و بیشترین دانش آنان در مرحلۀ کاشت است. بنابراین ادبیات، این نظریه تأیید وتقویت گردید که زنان به لحاظ تاریخی اولین کشاورزان جهان محسوب می‌شوند(حیدری و جهان نما، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

نیازشناسی و پیشنهادها:

با توجه به تحقیقات میدانی زنان کشاورز، منطقه از توانهای بالای بالقوّه وبا لفعلی جهت توسعۀ کشاورزی منطقه برخورداراند. آنها نقش مهمّی در کشاورزی پایدار دارند، زیرا با کشت‌های حاشیه‌ای ومخلوط از یکسو به تنوّع زیستی کمک نموده واز سوی دیگر به طور بهینه از منابع آب وخاک وغیره استفاده می‌نمایند و درامنیّت غذایی خانوار نیز بسیار مؤثراند.اما آنان با مشکلات و محدودیّت‌هایی نیز روبروهستند، از جمله: نبود درآمد کافی، پایین بودن قیمتهای خرید، هزینه‌های بالای تولید، سلف فروشی، آفات گیاهی، مشکلات زیرساختها و غیره که باعث عدم دسترسی به کشاورزی پایدار شده است. با توجّه به مشکلات و نیازشناسی آنان، سیاستگذاریهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. دسترسی به اعتبارت و توسعۀ خدمات بانکی: مهمترین نیاز زنان کشاورز جامعۀ نمونه، دسترسی به اعتبارات ودریافت وام با شرایط مناسب است. متأسفانه مشکلات زیادی در این خصوص وجوددارد، که اهمّ آن، نداشتن وثیقه برای اخذوام و نبودن خدمات بانکی در بیشتر روستاهای منطقه است. این مشکلات باعث شده که کشاورزان فقیرمنطقه به رباخواران و سلف خران متوسل شوند،که باعث فقیرتر شدن آنها گردیده است. در چنین شرایطی پرداخت وام به زنان ومردان کشاورز با شرایط مناسب برای خرید زمین وآب ونهاده های کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد.

۲. تعیین قیمت های مناسب و حمایت از محصولات بومی: یکی از مشکلات عمدۀ کشاورزان منطقه پایین بودن قیمت های خریداست. آنان خواستارسیاست قیمت گذاری عادلانه وحمایت از محصولات بومی هستند –هرچند ظاهر نامطلوبتری دارند– در واقع حمایت از محصولات بومی حمایت از کشاورزی ارگانیک و پایدار

است. لذا ضروری است در این زمینه تبلیغات کافی صورت گیرد و بـا برچسبهایی بـه نـام کالاهـای بـومی، بـه مصرف کنندگان معرّفی وعرضه شود.

۳. ارتقای تبادلات وآموزش کشاورز به کشاورز: چنـان کـه از نتـایج تحقیـق معلـوم گردیـد، دانـش زنـان درخصوص کشت محصولات حاشیه‌ای و معیشتی، وجـین و نـشاکاری، تهیـهٔ بـذر وغیـره بالاسـت. از ایـن رو ضروری به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزیهای توسعهٔ کشاورزی علایق و نیازهای آنها مورد توجه قرار گیرد و دراین راستا ازخود کشاورزان استفاده شود، زیرا کشاورزان، بهترین آموزگاران یکدیگرند. ازایـن روتـرویج بـه روش کشاورز به کشاورز می‌تواند به تبادل و اشاعهٔ اطّلاعات، بسیار کمک کند وموفقیّت‌های قابـل تـوجهی را دربـر داشته باشد.

٤. تشکیل و تقویت گروههای محلّی: از زمانی که بشر به کشاورزی پرداخته است، کشت و زرع غالباً یـک نوع کار گروهی بوده است، کشاورزان و خانوارهای آنها، در زمینهٔ مدیریّت منـابع، کـار اشـتراکی بـا یکـدیگر داشته‌اند. اما با ماشینی شدن کشاورزی، به تدریج نقش وکارایی آنها کاسـته شـده اسـت. سـازماندهی وتقویّـت مجدّد آنها با کارایی بیشتر می‌تواند در حلّ مشکلات کشاورزی منطقه مؤثر باشـد. همچنـین گروههـای محلّـی می‌توانند شامل: سازمانها، نهادهـای محلّـی، گروههـای تحقیقـاتی و تـرویج کـشاورز بـه کـشاورز، گروههـای اعتبارات مالی و مصرف کنندگان و غیره نیز باشند. نکته‌ای که باید به آن توجه شود، این‌که اوّلاً این گروههـا از سوی دولت و یا سازمانی تحمیلی نباشد و ثانیاً: تمام مردم روستا با توجه به دانش‌هـا وظرفیّـت‌هـایی کـه دارنـد، مشارکت نمایند. از طریق انسجام محلّی و مـشارکت کلیـهٔ افـراد جامعـه محلّـی، شـراکتهای روسـتایی تـشکیل گردیده و با تشریک مساعی وهمفکری وقدرتهای گروهی- با حمایت های دولتی- بتوانند کلیهٔ امور مربـوط به خود را در زمینهٔ افزایش ارزش محصولات کشاورزی محلّی، بازاریابی، تأمین خدمات و زیرساختهای مـورد نیاز تصمیم گیری و تأمین نمایند.

منابع و مآخذ:

۱.آلتیری، میگوئل،۱۳۷۸، «چرا باید کشاورزی سنتی را شناخت» ؟، *کاربرد دانش بومی در توسعهٔ پایدار*، شماره ۳، عمادی و عباسی، انتشارات روستا و توسعه.

۲. از کیا، مصطفی، ۱۳۷۰، *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعهٔ روستایی*، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات.

۳. بوذرجمهری، خدیجه،۱۳۸۳، *شناخت و تحلیل دانش کشاورزی بومی زنان روستایی شهرستان نیشابور و نقش آن برکشاورزی پایدار*، رسالهٔ دکتری.

۴. حیدری، غلامرضا وجهان نما، فهیمه،۱۳۸۲، «توانایی های زنان در بخش کشاورزی –روستایی»، *فصلنامهٔ پژوهش زنان*، شمارهٔ ۶.

۵. خسروی، خسرو،۱۳۵۷، *جامعهٔ دهقانی در ایران*، جلد اول، انتشارات پیام، تهران.

۶. خسروی،خسرو، ۱۳۵۸، *جامعه شناسی روستای ایران*، چاپ سوم، انتشارات پیام.

۷. صفی نژاد جواد،۱۳۶۸، *(بنه) نظامهای زراعی سنتی در ایران*، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر.

۸ طالب، مهدی، ۱۳۷۱، *مدیریت روستایی در ایران*، دانشگاه تهران.

۹. فرهادی،مرتضی، ۱۳۸۰، *واره نوعی تعاونی سنتی و زنانه در ایران*، دفترمطالعات وبرنامه ریزی، وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی.

۱۰. فرهادی، مرتضی،۱۳۷۳، *فرهنگ یاریگری در ایران (یاریگری سنتی در آبیاری وکشتکاری)*، جلد اول، نشردانشگاهی تهران.

۱۱. کتابی، محمود و دیگران، ۱۳۸۲، «توانمند سازی زنان برای مشارکت در توسعه»، *فصلنامهٔ پژوهش زنان*، دوره اول، سال سوم، شماره ۷.

۱۲. لمتون.اس.ک،۱۳۷۷، *مالک و زارع در ایران*، ترجمهٔ منوچهر امیری، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۱۳. ودیعی، کاظم،۱۳۵۲، *مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران*، چاپ دوم، انتشارات دهخدا.

۱۴. هویسینگام نورم ودیگران، ۱۳۷۸، «دانش بومی زنان و توسعه کشاورزی در جهان سوم»، *کاربرد دانش بومی در توسعهٔ پایدار*، عمادی و عباسی، انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۳.

15. Appleton,H.(1993a),*Gender, technology and innovation*' Appropriate Technology, 20(2) 6-8.

16. Fernandez.M.E (1994) *'Gender and indigenous knowledge*' *IK Monitor 2(3)*.

17.Kolawole.D(2001),*Local Knowledge Utilization and Sustainable Rural Development in the 21St century, IK Motitor Articles(9-3)*.

18.Overholt ,Catherine, et al.(1985),'*Gender Roles in Development Project*'. From:
19. Recording *and Using Indigenous Knwledge,A manual IIRR*.(1996): *International Institue of Rural Reconstruction*, printed in India.
20.Simpson.B. M (1994), Gender and the social differention of local knokedge "*IK Monitor* 2(3).
21.*www.mirror.ac.cn/englishforAgriculture/lesson15/read15.htm*
22.*www.Iranik.com/background*
23. *www.nuffic.nl/ciran/ikdm/9-3roth.htm.*